

کشته شود ، ایل یکپارچه ماتم و غم می شود ، انگاری که همه برادر مرده شده اند یا به سوگ خواهر خود نشستمانند . سالی طول می کشد تا یاد عزیز از دست رفته را به فراموشی سپرند ، لحظهای صاحب عزا را رها نمی کنند " چوخا " از تن بیرون می کنند ، همه لباس سیاه می پوشند ، همه یکرنگ و یکدل می شوند ، دلداری اش می دهند ، سرت سلامت ، اگر او رفت تو که هستی ، تو کمی توانی نبودش را جبران کنی ، اگر در ایل زنی صاحب شوی و اولاد بصیرد ، همه ی زنها تیره و طایفه وظیفه مادری را بر عهده می گیرند تا مرد روزگارش بگذرد ، کارهای روزانه اش را بر عهده می گیرند ، بچه هایش را مراقبت می کنند و بالعکس اگر کسی شوی خود را از دست داد مردان و طایفه با توان ناچیز ، با همه فقر و تهی دستی دمی از یآوری خانواری که مردش ، نان آورش را از دست داده غافل نمی شوند ، هیچ خانواری در ایل بی سرپرست نیست ، بی کسی و غربت برای ایل ننگ است ، چون همه با هم هستند ، همه از یک خانوادمانند .

خبر مردن زن یا مرد بختیاری که در ایل گوش به گوش شده جمع می شوند ، مرده را بر تخته پارهای می گذارند ، مردها تخته را بردوش می گذارند تا به

نزدیک ترین رودخانه محل برسانند با آب رود غسلش دهند ، اگر زن بود در پناهگاهی کنار رود زنها این وظیفه را بر عهده می گیرند ، اگر مرد یا زنی در میانه راه کوچ مرد یا کشته شد ، جنازه را همچنان می برند تا مگر به آب رودی برسند ، بعد از غسل ، سید همراه ایل یا سید پیر شاه ، یا سید امامزاده های اطراف محل کوچ را خبر می کنند تا بر مرده نماز میت بگذارند .

بختیاری کوچنده گورستان مشخصی

ندارد ، همه دشت ، همه کوه ، همه خاک گورستان اوست ، عموماً " هر طایفه و تیره در بیلاق و قشلاق برای خود کنار مزارع شان ، گورستانی انتخاب کرده اند . این سوی گورستان میانه راه کوچ است .

سوی قبرهای تنها و پراکنده ای که در

کوه و کمر یا دل دشتهای به آن برمی خوری . . . در گورستان های محلی

بیلاق و قشلاق می توان یاد نسلها تبار

ایل را جستجو کرد ، ساده و بی آرایش

تنها بانسانهای و گه گاه ماسمی ، اگر مردانه

مرده باشد بر قبرش سنگ شیر می بینی

(مجسمه شیرسنگی) همراه با نقش

اسب او ، شمشیر او ، کلاه او و اگر زن

هنرمندی باشد بر قبرش نشانه های

از " کرکیت " یا نقش قفل و یا تسبیح .

مرده را که غسل دادند به خاکش



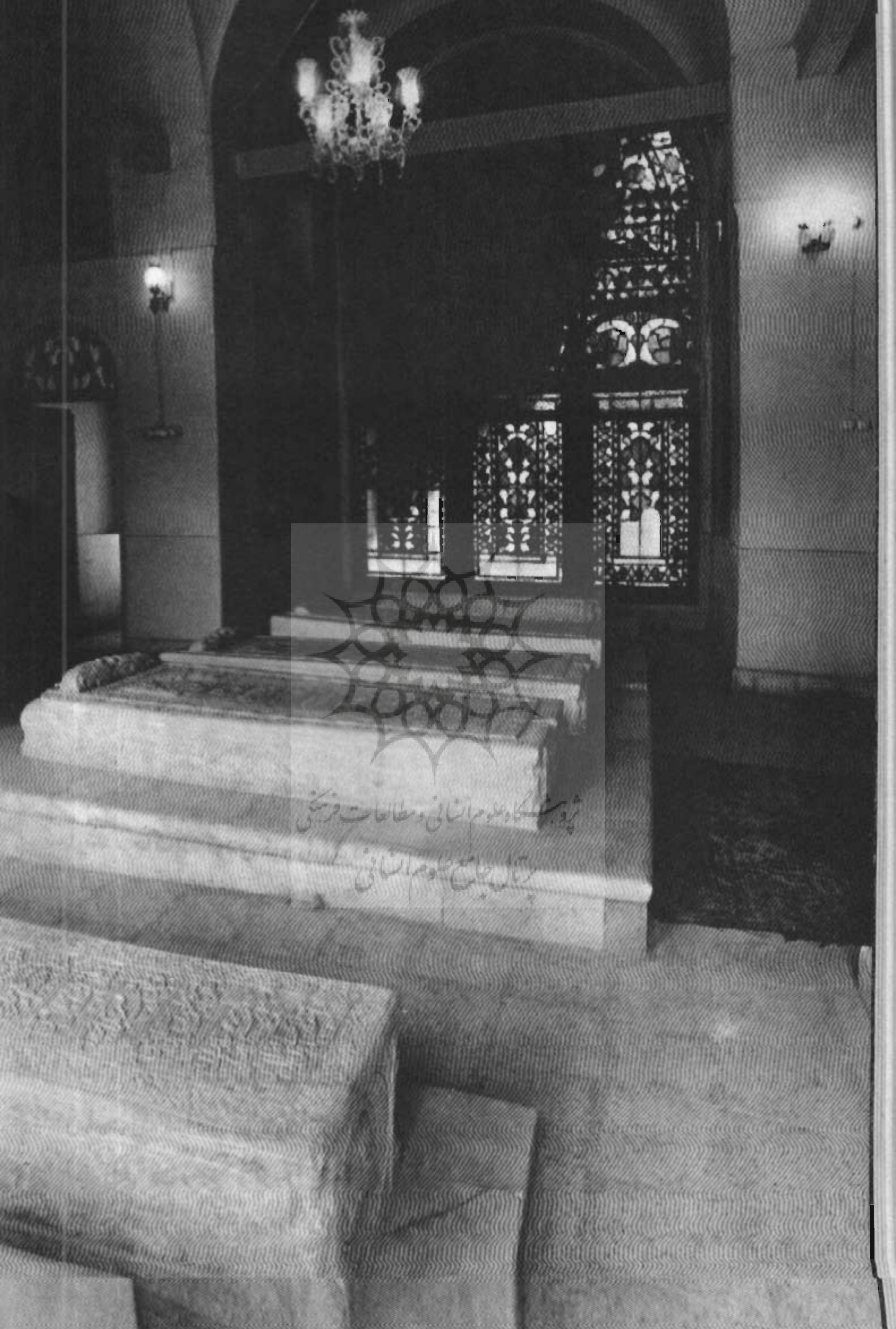
پرتال جامع علوم اسلامی
مطالعات اسلامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در این هنگام تو شمال ها آهنگ غم انگیزی
بنام چپی می نوازند ، نوعی آهنگ عزا ،
ایل بعد از این مراسم به خانه صاحب
عزا می رود ، آنجا زمانی به صرف نهار
و چای می پردازند از فردای آن روز
مراسم " خیرات " شروع می شود ، صاحب
عزا چادر سیاهی برپا می کند ، تیره به
تیره ، طایفه به طایفه برای دلداری او
سراغش می آیند و برایش " سر باره "

می سپارند ، خاک که گودی گور را پر کرد
زنهای ایل بدورش حلقه می زنند و مردها
در فاصله دور با آنها ، زنها گریه را سر
می دهند همراه با آوازی که به آن
" گاگریو " می گویند که در معنا فعل امر
گفتن است " گو " و گریو به معنای
گریستن است که در اصل می شود " گو و
گریه کن " در این زمزمه و گریه است که
در حال و روزگار دیده می پردازند ،



شپو شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یک سال زنهای مسن تیره و طایفه بالباس رنگین که قبلا "آماده کرده اند" سراغ زن شوی مرده می روند و با اصرار از او می خواهند که لباس سیاه از تن بیرون کند.

بیرون آوردن لباس سیاه عموماً "چه از طرف صاحب عزا و چه آنها که می خواهند لباس سیاه از تن جوان عزادار را بدر آورند حتماً" می بایست قبل از آمدن نوروز باشد، بختیاری ها معتقدند باید سیاهی را قبل از نوروز از تن بیرون کرد چرا که در غیر این صورت باروری و نعمت از ایل رخت بر خواهد کند.

می آورند معمولاً "هرده خانوار یا پانزده خانوار به نسبت امکانات مالی اشان" گوسفندی، پولی یا مقداری قند و چائی همراه خودشان می آورند که به آن "سرباره" می گویند آنها بعاین وسیله مخارج عزاداری را از دوش صاحب عزا بر می دارند. این مراسم گاه حتی تا یکسال بطول می انجامد، چرا که شاید تیره های یا طایفه های در مسافت های دور باشد و یا امکان حضور بموقع پیدا نکرده باشد.

در سر سال باز هم مراسمی میگیرند، این مراسم چندان مفصل نیست و "سرباره" کمتر آورده می شود.

بعد از سر سال خانواده صاحب عزا موظف هستند که با خریدن لباس های رنگارنگ به چادرها سربزنند و لباس های سیاه را از تن آنهائی که به همدردی با آنها سالی سیاه پوش بوده اند در آورند و بجایش لباس های هدیه آورده شده را بپوشانند.

معمولاً "زنهایی که پابهسن گذاشته و شوی از دست می دهند دیگر لباس سیاه از تن بیرون نمی آورند و تا آخر زندگی سیاه پوش می مانند. اما زن جوانی که شوهرش را از دست داده باشد، بعد از